



A Comparative Study of the Factors of the Continuation of Iran's Foreign Policy in the Eastern Mediterranean (Era Safavid and Islamic Republic)

Ali Khorsandi¹, Azam Molae*²

Received:2023/10/04

Accepted:2024/01/16

Research Article

Abstract

Since the Safavid era, the Eastern Mediterranean region, has affected the Iran's national security and interests. The current research seeks to answer the question, "What are the components of the continuity of Iran's foreign policy in the Eastern Mediterranean during the Safavid period and the Islamic Republic?" The temporary answer that the researchers put forward as a hypothesis is that "Security-strategic needs and cultural-religious commonalities have been the most important reasons for the continuity of Iran's foreign policy in the Eastern Mediterranean, and the difference in Iran's approach to Europe has been one of the differences between Iran's policy in the two periods." The findings show that the similarity of the type and role identity of the Safavid statesmen and the Islamic Republic of Iran led to the definition of common interests and similar foreign policy approaches by them. Iran's continuous strategic competition with other regional powers and the need to contain their threats far from the borders, the role of Shiites in the Eastern Mediterranean in advancing Iran's goals, economic interests and the dependence of Iran's geopolitical competition on identity and ideology are the most important reasons for the continuity of Iran's foreign policy during the two periods.

Keywords: *Constructivism; Eastern Mediterranean; Foreign policy; Identity; National interests*

Khorsandi, A., & Molae, A. (2023). A Comparative Study of the Factors of the Continuation of Iran's Foreign Policy in the Eastern Mediterranean (Era Safavid and Islamic Republic) . *Journal of Political and International Research*, 15(56), pp. 47-60.

¹ - Ph.D. student in Political Science, Islamic Azad University, Shahreza branch AKh900@yahoo.com

² - Ph.D. in International Relations, Assistant Professor, Islamic Azad University, Shahreza Branch. (**corresponding author**)
Azam.molae@gmail.com



بررسی مقایسه‌ای عوامل تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه (دوران صفویه و جمهوری اسلامی)

علی خورسندی^۱، اعظم ملایی*^۲

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶
--------------	---

چکیده

منطقه شرق مدیترانه از دوران صفویه تاکنون، به عنوان یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیک حساس پیرامون ایران، منافع و امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که «مؤلفه‌های تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه در دوران صفوی و جمهوری اسلامی کدامند؟ پاسخ موقتی که پژوهش‌گران به عنوان فرضیه مطرح کرده‌اند، از این قرار است که «نیازهای امنیتی - راهبردی و اشتراکات فرهنگی - مذهبی از مهم‌ترین علل تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه و تفاوت رویکرد ایران به اروپا، از نکات افتراق سیاست ایران در دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی ایران بوده است». یافته‌های این تحقیق که در قالب نظریه سازه‌انگاری و با استفاده از روش علی - مقایسه ای انجام شده است، نشان می‌دهد که تشابه هویت نوعی و نقشی دولتمردان صفوی و جمهوری اسلامی ایران، به تعریف منافع مشترک و در نتیجه رویکردهای سیاست خارجی مشابه از سوی آن‌ها انجامیده است؛ به گونه ای که رقابت‌های راهبردی متداوم ایران با سایر قدرت‌های منطقه ای و لزوم مهار و کنترل تهدیدات آن‌ها دور از مرزها، نقش شیعیان شرق مدیترانه در پیشبرد اهداف ایران، منافع اقتصادی و ابتدای رقابت‌های ژئوپلیتیک ایران بر هویت و ایدئولوژی، مهم‌ترین علل تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه در دوران صفویه و جمهوری اسلامی بوده است.

واژگان کلیدی: شرق مدیترانه، سازه‌انگاری، هویت، منافع ملی، سیاست خارجی.

خورسندی؛ علی، ملایی؛ اعظم (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای عوامل تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه (دوران صفویه و جمهوری اسلامی). فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵۶، صفحات ۶۰-۴۷.

۱- دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران AKh900@yahoo.com

۲- دکتری روابط بین‌الملل، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) Azam.molae@gmail.com

مقدمه

شرق مدیترانه متشکل از کشورهای عربی مصر، لبنان، سوریه و لیبی و کشورهای غیرعربی ترکیه، فلسطین (رژیم اسرائیل)، یونان و قبرس با دارا بودن موقعیت ویژه ژئوپلیتیک در سطح نظام جهانی، نگاه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به سمت خود معطوف ساخته است. مروری بر اسناد تاریخی نشان می‌دهد نقش آفرینی ایران در حوزه مدیترانه شرقی مختص مقطع کنونی نیست و یکی از شاخص‌ترین دوره‌هایی که در آن نقش فعال ایران در حوزه شرق مدیترانه به وضوح دیده می‌شود و تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است، دوره صفویه می‌باشد (گودرزی، ۱۴۰۰: ۹۶). سیاست صفویان مشغول نگه داشتن سلاطین عثمانی در حوزه مدیترانه شرقی با کمک گروه‌های نیابتی خویش بود (تقوی‌فر، یوسف‌جمالی و جدیدی، ۱۳۹۷: ۲۸).

در دوران جمهوری اسلامی نیز از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، شرق مدیترانه کانون رقابت ایران، ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل بوده است. سه کشور سوریه، لبنان و فلسطین اشغالی هسته اصلی ژئوپلیتیکی ایران در شرق مدیترانه را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، این مقاله با نگرشی تاریخی - تطبیقی، رویکردهای سیاست خارجی دولت‌های صفویه و جمهوری اسلامی نسبت به منطقه شرق مدیترانه را بررسی، تحلیل و مقایسه می‌کند.

با توجه به این که تاکنون مطالعه تطبیقی علمی و جامعی پیرامون رویکردهای سیاست خارجی ایران به مدیترانه شرقی در دو مقطع تاریخی مورد بحث انجام نگرفته است، پرداختن به این مقوله در قالب یک پژوهش علمی ضرورت می‌یابد و این امر اهمیت و نوآوری مقاله پیش‌رو را نیز نشان می‌دهد.

۱- چارچوب نظری

با توجه به اهمیت مؤلفه‌هایی همچون اشتراکات فرهنگی - مذهبی و نیازهای امنیتی در بررسی سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه در دوران صفویه و جمهوری اسلامی، به نظر می‌رسد نظریه سازه‌انگاری قدرت تحلیل بالایی برای تبیین موضوع پژوهش حاضر دارد. مباحث هستی‌شناختی به وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۴). از منظر سازه‌انگاران اولاً، ساختارهای هنجاری یا فکری مانند ساختارهای مادی اهمیت دارند. ثانیاً، سازنده‌گرایان ضمن تأکید بر چگونگی تبیین شکل‌گیری منافع، هویت‌های اجتماعی افراد یا دولت‌ها را در کانون توجه خود قرار می‌دهند. ثالثاً، آن‌ها ادعا می‌کنند کارگزاران و ساختارها به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند (قوام، ۱۳۸۴: ۲۲۳). نتیجه طبیعی این تلقی در تبیین رفتار سیاست خارجی یک کشور آن است که دولت‌ها، براساس هویت زمینه‌مند خود جهان را برای خود می‌سازند و بر اساس آن دست به کنش می‌زنند (اسمیت، ۲۰۰۱: ۳۸-۳۹). هویت دولت از نظر «الکساندر ونت»^۵ چهار شکل اساسی دارد: «هویت حقوقی»، «نوعی»، «نقشی» و «جمعی». هویت حقوقی نظم حقوقی - نهادی، ادعای انحصار به کارگیری مشروع زور و حاکمیت یک جامعه و سرزمین را دربرمی‌گیرد. هویت نوعی می‌تواند چندگانه باشد همانند نوع رژیم یا شکل دولت (امپراتوری، دولت - ملت قومی یا مدنی) که بیشتر براساس روابط جامعه با دولت تعریف می‌شود. هویت نقشی به رسالت و مأموریتی که یک دولت در قبال ملت خود و سایر ملت‌ها و دولت‌ها برای خود متصور است، اشاره دارد. یک بازیگر نمی‌تواند خودش به تنهایی چنین هویتی داشته باشد. بنابراین هویت جمعی یعنی، جایگاه و موقعیت دولت در مقابل سایر بازیگران به‌ویژه بازیگران اصلی نظام بین‌الملل (ونت و فیرون، ۲۰۰۲: ۱۱۱-۱۰۰).

۲- روش تحقیق

با توجه به ماهیت این پژوهش، به نظر می‌رسد روش تحقیق علی - مقایسه‌ای^۶ برای آن مناسب است. در این روش پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. به بیان دیگر، تحقیقات علی گذشته‌نگر بوده و سعی بر آن

^۵- Alexander went

^۶- Causal-comparative research

دارد که از معلول به علت احتمالی پی ببرد. به این تحقیقات گاهی تحقیق پس رویدادی^۷ نیز گفته می‌شود؛ زیرا علت و معلول (متغیر مستقل و وابسته) پس از وقوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحقیق علی در دسته‌بندی انواع روش تحقیق در زیرمجموعه تحقیق توصیفی قرار می‌گیرد (حافظنیا، ۱۳۹۹: ۴۸). در این گونه تحقیقات کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده، مورد نظر است؛ بنابراین، پس از آنکه واقعه‌ای روی داد، تحقیق درباره آن شروع می‌شود. تحقیقات علی معمولاً از لحاظ نوع تحقیق کاربردی هستند (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۴: ۵۲).

۳- ادبیات پژوهش

در عرصه آکادمیک ایران و جهان، پژوهش‌ها و مطالعات بسیاری پیرامون حوزه شرق مدیترانه و اهمیت استراتژیک آن صورت گرفته است که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: حسن کریمی (۱۳۹۷) در کتاب «شرق مدیترانه و جایگاه ژئوپلیتیکی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» با تبیین مفاهیم «ژئوپلیتیک» و «سیاست خارجی» و رابطه این دو با یکدیگر، به محیط‌شناسی منطقه مدیترانه شرقی و کشورهای آن پرداخته است.

«اسپیریدون لیتزاس»^۸ و «ارسطو تزیامپیریس»^۹ در کتاب «مدیترانه شرقی جدید؛ نظریه، سیاست و دولت‌ها در دوران بی‌ثباتی»، نقش ایالات متحده آمریکا و روسیه و مسائل مهمی چون «انرژی»، «مهاجرت» و «تروریسم جهادی» در مدیترانه شرقی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند.

«دنیز باران»^{۱۰} در کتاب «ابعاد حقوقی بحران شرق مدیترانه»^{۱۱}، معتقد است دلیل اصلی بحران کنونی در منطقه شرق مدیترانه، کشف فزاینده میدان‌های قابل توجه نفت و هیدروکربن در حوزه مدیترانه شرقی از سال ۲۰۰۰ میلادی است. بنابراین، اختلافات مرزی دریایی فعلی بین کشورهای ساحلی مانند ترکیه و یونان در واقع با بحران توزیع منابع بالقوه مطابقت دارد. زهرا پیشگاهی فرد، شهریار نصرتی و شهناز بازدار در مقاله «ژئوپلیتیک شیعه و قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه» (۱۳۹۴) بر این نکته تأکید می‌کنند که این نقطه از خاورمیانه به لحاظ حضور جمعیت قابل توجهی از شیعیان که در هم‌جواری با رژیم صهیونیستی واقع شده، بستر لازم برای حضور و قلمروسازی ایران را دارا بوده و در راهبرد منطقه‌ای ایران از جایگاه مهمی برخوردار است. افشین رستمی، علی امیری و حامد عباسی در مقاله «تحلیل ژئوپلیتیک راهبرد شرق مدیترانه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دفاع مقدس» (۱۴۰۰)، معتقدند جنگ عراق علیه ایران توانست پایه‌های گسترش عمق استراتژیکی ایران در شرق مدیترانه را تحکیم نماید.

بررسی آثار فوق نشان داد پژوهش‌هایی که تا کنون در رابطه با سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه انجام شده، هیچ یک رویکرد تاریخی و مقایسه‌ای به این حوزه موضوعی نداشته و هر یک از منظری محدود در مقطع فعلی به این مناسبات پرداخته‌اند. در نتیجه تا کنون در رابطه با دلایل تداوم سیاست خارجی ایران در این حوزه ژئوپلیتیک، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است و این امر تفاوت پژوهش حاضر با سایر تحقیقات و نوآوری و ضرورت انجام آن را نشان می‌دهد.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس چارچوب نظری پژوهش حاضر که سازه‌انگاری است، هویت دولت به عنوان یک منبع اساسی برای منافع ملی، برخی اقدام‌ها را در سیاست خارجی مشروع و برخی را نامشروع می‌سازد. از این رو با توجه به این که سیاست خارجی کشورها بر

7- Ex-Post Facto

8- Litsas .N. Spyridon

9- Aristotle Tziampiris

4-Deniz Baran

5-The Legal Aspects Of The Eastern Mediterranean Crisis

اساس منافع آن‌ها تعریف می‌شود و منافع نیز محصول هویتند، مطالعه نحوه شکل‌گیری هویت و منافع دولت‌های صفویه و جمهوری اسلامی برای درک رویکرد آن‌ها در شرق مدیترانه ضروری است (ولدز، ۱۹۹۶: ۲۷۵).

۴-۱- هویت و منافع دولت صفوی

در سده نهم هجری (پانزدهم میلادی) جنبش صفوی به صورت یک قدرت سیاسی نیرومند ظهور کرد. صفویان با اعلام وفاداری به مذهب تشیع، اولین دولت متمرکز و فراگیر ملی را پس از گذشت نه صد سال تأسیس کردند. صفویان، شیعه را مذهب رسمی ایران اعلام کردند و از این طریق به روشنی ایران را از امپراتوری سنی مذهب عثمانی در غرب و تیموریان هند در شرق متمایز ساختند (سیوری، ۱۳۸۹: ۴۵). همچنین صفویان برای بیان تمایز بیش‌تر با امپراتوری عثمانی، بر عناصر فرهنگ ایرانی تأکید زیادی داشتند. بر این اساس، در دوره صفوی، تأکید بر عناصر فرهنگ ایرانی و مذهب تشیع به عنوان دو رکن اصلی هویتی، انسجام و همبستگی را برای ایران به همراه داشت.

بر پایه نظریه سلطنت ایرانی، صفویان در تداوم اندیشه «شاهی آرمانی مبتنی بر فره ایزدی» ایران باستان، دودمانی ایرانی بودند که وظیفه آنان پاسبانی از ایران به مثابه محل تکوین این اندیشه بود (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۶۲۲). این امر با انتساب صفویان به امامان دوازده گانه شیعه ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت؛ تا آن جا که به تعبیر هانری گرن انتساب شاهان این سلسله به امام حسین (ع)، ایران شیعی و ایران مزدایی را در کنار یکدیگر قرار داد (کربن، ۱۳۸۷: ۴۵). از این رو، همزمان که شاه اسماعیل صفوی با تعبیری چون خسرو عهد و کی قباد زمان مورد خطاب قرار می‌گرفت (منشی، ۱۳۷۷: ۷۳)، خود را نیز تنها کسی می‌دانست که شایستگی جانشینی امامان معصوم علیهم‌السلام را دارد و اوست که به واسطه راهنمایی‌های آنان توانسته است بر مشکلات فائق آید (یوسف جمالی، ۱۳۸۵: ۳-۴۰۲). بنابراین در این دوران با رسمیت یافتن مذهب شیعه، مرزهای هویتی و جغرافیایی که بعد از اسلام مخدوش شده بود، به طور کامل مشخص گردید؛ این امر منجر به احساس آگاهی و تعلق به مفهوم کشور ایران به جای دارالسلام شد (دیل‌مقانی و قاسمی ترکی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). در همین رابطه، برخی از تحلیل‌گران معتقدند از آنجایی که هویت شیعی صفویه براساس غیریتی به نام عثمانی شکل گرفت، تازمان تداوم این غیریت، هویت ایرانی نیز از ثبات برخوردار بوده است (کچوییان و جوادی یگانه، ۱۳۸۵).

نکته دیگر در بحث هویت دولت صفوی، ارتباط آنها با دنیای غرب بود؛ رقابت با دولت‌های سنی نه تنها ایران را از جوامع اسلامی جدا کرد، بلکه آن را واداشت تا در جست‌وجوی حمایت قدرت‌های اروپایی باشد و با آنها پیوند یابد. در نتیجه پیوند و ارتباط با اروپاییان از این دوره به بعد، ایرانیان را به سوی افکار جدید و تشکیل یک دولت ملی برپایه افکار ناسیونالیستی سوق داد. در نتیجه، منافع دولت صفویه نیز در قالب ترکیبی از عناصر ایرانی و اسلامی تعریف می‌شد؛ در این راستا از یکسو مدیترانه شرقی به لحاظ تاریخی بخشی از قلمرو ساسانیان به عنوان یکی از شهرستان‌های ایران شهر بود (دریایی، ۱۳۸۸: ۷۵) که صفویان در پی اعمال نفوذ و قدرت در آن بودند و از سوی دیگر بر اساس مبانی مذهبی، حکام صفوی حمایت از شیعیان مورد ظلم این منطقه را بر خود فرض می‌دانستند (جعفریان، ۱۳۷۹: ۸) و ضمن حمایت، برای کسب اطلاع از وضعیت دولت عثمانی نیز از آنها استفاده می‌کردند.

درواقع، فعالیت‌های جاسوسی پادشاهان صفوی مانند شاه‌عباس در خاک عثمانی برای آگاهی از وضعیت سلطان عثمانی و وقایع مربوط به جانشینی وی (دل‌واله، ۱۳۷۰: ۲۰۹) و نیز کسب اطلاع از تحولات سیاسی سلطان عثمانی در جبهه‌های نبرد این دولت با اروپاییان و سایر دشمنان (قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۸۹)، تأمین‌کننده منافع امنیتی-سیاسی صفویان در این منطقه بود و به آنها برای به چالش کشیدن عثمانی‌ها در شرق مدیترانه کمک می‌کرد. اهمیت شرق مدیترانه برای ایران عصر صفوی به دلیل اهداف و منافع اقتصادی نیز بود؛ به گونه‌ای که سلطه بر این منطقه به روابط تجاری با اروپاییان می‌انجامید و ایران را در پیوند با اقتصاد جهانی قرار می‌داد (فوران، ۱۳۹۲: ۶۸). بدین ترتیب دولت صفویه که هویت نوعی خود را در قالب‌هایی همچون «رهبر بر حق جهان اسلام» و در عین حال «دولت ملی مدرن» تعریف می‌کرد، هویت نقشی خود را نیز به صورت «رهبری

فرهنگی-مذهبی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» و یا «رهبری مخالف با هژمونی امپراتوری سنی» سامان داده بود و این امر به اهداف سیاست خارجی و منافع آن در منطقه شرق مدیترانه (از جمله حفظ تمامیت ارضی، امنیت مرزهای ایران و نیز توسعه مراودات اقتصادی با جهان غرب) جهت می‌داد.

۴-۲- هویت و منافع جمهوری اسلامی ایران

در جریان انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷ ایران، علاوه بر تغییر نظام سیاسی کشور از یک ساختار پادشاهی به نظام جمهوری، گونه‌ای از نظام سیاسی جدید نیز پی‌ریزی گردید. جمهوری تازه تأسیس که با تکیه بر محتوا، خود را با سایر جمهوری‌های دوران مدرن متمایز کرده بود، جهان‌بینی و نظام ارزش‌های نوین خود که از بینش اسلامی و شیعی آن سرچشمه می‌گرفت را پی‌ریخت (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۱)؛ چرا که این مذهب در طول تاریخ توانسته بود با الهام از واقعه عاشورا و تکیه بر آرمان ایستادگی در برابر «ظلم»، «استبداد»، «فساد» و «سلطه خارجی»، به جایگاه والایی نزد شیعیان به ویژه مردم ایران دست یابد.

اساساً تشیع یکی از جنبه‌های اصلی ایدئولوژی اسلام سیاسی در انقلاب ایران بود که نقش بسیار مهمی در بسیج نیروها و گسیل توده‌ها ایفا کرد (خسروشیری، ۱۳۹۱: ۷-۴۵). بنابر گفته منوچهر محمدی، از تاریخ نوزدهم دی‌ماه سال ۱۳۵۶ تا زمانی که انقلاب به پیروزی رسید، همه راهپیمایی‌های مردم جنبه مذهبی داشت و آیین‌های دینی شیعی چون، عاشورا، اربعین و... در آن‌ها نقش چشم‌گیری ایفا نمود (محمدی، ۱۳۶۵: ۱۲۸)؛ از این‌رو، سه کلان‌روایت استقلال، عدالت و مقاومت به‌عنوان ارکان اصلی هویت جمهوری اسلامی برگرفته از باورهای شیعی هستند که در برهه‌های حساس تاریخ معاصر ایران، دربردارنده تعریف خاصی از منافع در عرصه سیاست خارجی بوده اند (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۵۵). بر این اساس باید گفت هویت جمهوری اسلامی در قالب مرزهای ملی تعریف نشده است؛ بلکه واحد اصلی ارزیابی، جهان و امت اسلامی است. البته اعتقاد همزمان به دولت ملی و امت اسلامی هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی و هم در نظریات روشنفکران و دیدگاه‌های رهبر انقلاب (ره) به چشم می‌خورد. این دوگانگی سبب گردیده است تا هویت نوعی و نقشی جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون بارها دچار تغییر و دگردیسی شود (ملایی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

در حالی که هویت نوعی ایران بین نظریه‌های «امت‌گرایی آرمان‌گرایانه» (ام‌القرای جهان اسلام) و «دولت - ملت‌گرایی مصلحت‌جویانه» در نوسان بوده، هویت نقشی نیز در قالب نقش‌هایی نظیر «رهبری فرهنگی - مذهبی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای» و یا «رهبری مخالف با هژمون جهانی» ساماندهی شده است (سجادپور، ۱۳۸۱: ۵۹). از سوی دیگر، در قالب هویت نوعی و نقشی که جمهوری اسلامی ایران برای خود تعریف نموده، اهداف و منافع هم‌چون ایستادگی در برابر غرب و آمریکا، به رسمیت نشناختن اسرائیل و ضدیت با آن، حمایت از مستضعفین جهان و گسترش اسلام در مرکز توجه تصمیم‌سازان جمهوری اسلامی قرار گرفته و در دوران دولت‌های مختلف با شدت و ضعف متفاوت دنبال شده است.

بر این اساس خصوصاً در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب، ایران به صورت مرکز رفت و آمد نمایندگان همه نهضت‌های آزادی‌بخش، گروه‌های سیاسی معارض حکومت‌ها و همچنین پشتیبان جریان‌های مخالف قدرت‌های بزرگ درآمد. همچنین در نگرش رجال سیاسی ایران پس از انقلاب، موضوع فلسطین نه موضوعی میان اعراب و اسرائیل بلکه مسأله‌ای کلیدی میان مسلمانان و اسرائیل شمرده شده است که ایران نیز در قبال آن مسئول می‌باشد (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۶). به‌طور خاص در رابطه با شرق مدیترانه که با عنوان بخشی از منطقه ریملند^{۱۲} از آن یاد می‌شود نیز باید گفت پدیده شیعه و جمعیت‌های شیعی با ظهور انقلاب ایران به پدیده‌ای اثرگذار در معادلات بین‌المللی تبدیل شد (نادری، ۱۳۹۰: ۱۸۱). بر این اساس با افکندن نگاهی به

۱۲- نیکولاس اسپایکمن با اصلاح نظریه هارتلند مکیندر، ناحیه حاشیه‌ای هارتلند، یعنی مناطق هلال درونی و سرزمینهای منطبق بر این مفهوم را ریملند نامید و با تأکید بر قدرت دریایی، نقش ریملند به عنوان مکمل و جایگزین هارتلند را مطرح نمود. اسپایکمن در نظریه خود خاورمیانه را در قلمرو ریملند جای می‌دهد؛ قلمرویی که بین منطقه محور یا قلب زمین و آب‌های پیرامون قرار گرفته است و اکثر رقابت‌ها و مخاصمات قدرت‌های دریایی و زمینی در آن به وقوع می‌پیوندد.

کارنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی درمی‌یابیم که جهت‌گیری‌های ایران در قبال همسایگان و سایر مناطق و کشورها در عرصه بین‌المللی، ریشه در تعاریف فراملی و اسلامی از هویت نوعی و نقشی خود داشته است (سریع‌القلم، ۱۳۸۱: ۷).

۴-۳- مؤلفه‌های تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه

با مروری بر سیاست خارجی ایران در دوران صفویه و جمهوری اسلامی ایران، می‌توان گفت عوامل زیر سبب تداوم سیاست خارجی ایران در این دو دوره در منطقه شرق مدیترانه گردیده است:

۴-۳-۱- تشابه هویت نوعی و نقشی دولت ایران در دو دوره

در هر دو دوره صفوی و جمهوری اسلامی، دولت‌ها در ایران هویت نوعی خود را در قالب‌هایی همچون «رهبر جهان اسلام» و در عین حال «دولت ملی مدرن» تعریف کرده و در قالب هویت نقشی نیز رسالت «رهبری فرهنگی- مذهبی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای» و «رهبری مخالف با هژمونی حاکم» را برای خود در نظر گرفته‌اند. در نتیجه تعریف از منافع ملی و نیز رویکردهای سیاست خارجی کشور در قبال شرق مدیترانه در دو دوره صفوی و جمهوری اسلامی از تشابهات بسیاری برخوردار است. از جمله این رویکردهای مشابه، سیاست آنها در قبال گروه‌های شیعی شرق مدیترانه بوده است؛ دولت‌های ایران در هر دو دوره (صفویه و جمهوری اسلامی) بر اساس هویت و رسالتی که برای خود تعریف نموده و همچنین بر اساس منفعی که در شرق مدیترانه داشته و دارند، از بیداری جمعیت‌های شیعی شرق مدیترانه، الگوگیری آنها از تحولات ایران و تلاش آنها برای تغییر توازن قدرت در منطقه حمایت کرده‌اند (نادری، ۱۳۹۰: ۱۸۱).

۴-۳-۲- برخورداری از حمایت گروه‌های شیعی نیابتی

هر دو دولت صفویه و جمهوری اسلامی ایران بر پایه تجربه تنهایی استراتژیک خود دریافتند که صرفاً با برتری قدرت و افزایش نفوذ در منطقه می‌توانند به تأمین امنیت خود مبادرت ورزند؛ از این رو، در کنار موازنه درونی قدرت، به ایجاد گروه‌های وفادار و متعهد به ایدئولوژی خود در شرق مدیترانه و تقویت آنها به لحاظ مالی و قدرت نظامی پرداختند. در زمان حکومت صفویه، این امر با حمایت و پناه دادن به صوفیان قزلباش مورد ستم دولت عثمانی انجام شد. دولت صفوی از طریق صوفیان قزلباش می‌کوشید زمینه‌های گرایش سایر اهالی مدیترانه شرقی به مذهب شیعه امامی را فراهم سازد و از این طریق با رخنه در ارکان دولت عثمانی، در راستای تضعیف این دولت گام بردارد و موازنه قدرت در منطقه را به سود خود تغییر دهد (عالم آرای شاه اسماعیل، ۱۳۸۴: ۸۴). تحركات سیاسی- نظامی همین گروه‌ها بود که به بسط و گسترش نفوذ دولت صفویه در شرق مدیترانه انجامید (رستمی، ۱۳۸۵: ۴۲).

در مقطع کنونی نیز علویان به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های جمعیتی شرق مدیترانه که قرابت و پیوستگی‌های بسیاری با شیعیان امامی دارند، از جمله مهم‌ترین گروه‌هایی هستند که می‌توانند به سیاست‌ها و منافع ایران در این منطقه جامه عمل بپوشانند. تشابهات فرهنگی مانند ارادت به خاندان پیامبر اکرم (ص) و همانندی مراسم مذهبی و نیز جایگاه تاریخی علویان در آناتولی سبب شده است تا آنها در مقطع کنونی نیز به دنبال پیوند و نزدیکی با ایران باشند. چنین رویکردی، جمعیت شیعیان را به عمق راهبردی ایران در شرق مدیترانه تبدیل نموده است (بهمن، ۱۳۹۳: ۱۶۹-۱۹۷). جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از توان و پتانسیل این گروه‌ها که در همجواری با رژیم صهیونیستی به سر می‌برند و متحدان نیابتی ایران در شرق مدیترانه هستند، می‌کوشد به قلمروسازی در این منطقه به عنوان یک مکمل ژئوپلیتیکی پردازد (پیشگاهی فرد، نصرتی و بازدار، ۱۳۹۴: ۷).

در این راستا، شیعیان مدیترانه شرقی به ویژه علویان، یکی از عواملی هستند که نقش بسیار مهمی در تحقق اهداف و تأمین منافع راهبردی ایران و گسترش قدرت نرم و نفوذ کشور در شرق مدیترانه، در هر دو مقطع تاریخی داشته‌اند.

۴-۳-۳- نیازهای امنیتی

علاوه بر دغدغه‌های هنجاری- فرهنگی، عوامل مادی و سخت افزاری همچون نیازها و نگرانی‌های امنیتی نیز از دیگر عوامل کلیدی است که به تداوم سیاست خارجی ایران در هر دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی در شرق مدیترانه شکل داده است. در دوران صفویه، عثمانی‌ها شمال اروپا و آفریقا و دورتادور دریای مدیترانه را به تصرف خود در آورده و یک امپراتوری تمدنی و نظامی ایجاد کرده بودند. سلاطین عثمانی که خود را جانشین خلفای عباسی می دانستند، با ادعای سروری بر جهان اسلام، خواهان تبعیت و پیروی همه دول اسلامی از خود بودند و طبیعتاً نمی توانستند هیچ دولت اسلامی مستقل دیگری را به ویژه در همجواری خویش بپذیرند. این امر با توجه به هویت شیعی صفویان، تهدید امنیتی جدی برای آنها به شمار می رفت؛ زیرا امپراتوری عثمانی همواره تمامیت ارضی سلسله صفوی را تهدید می کرد و از این رو، مرزهای غربی راهبردی ترین بخش ایران در دوره صفویان بود (گودرزی، ۱۴۰۰: ۴۲). در مقطع کنونی نیز آنچه برای ایران به ویژه از بعد امنیتی و استراتژیک دارای اهمیت می باشد، نقش آفرینی کشورهای منطقه به ویژه ترکیه و عربستان برای برتری در جنوب غربی آسیا و نهایتاً رهبری جهان اسلام و نیز نزاع اعراب و اسرائیل در جریان مسأله فلسطین است که به تلاش همه جانبه ایران برای قلمروسازی در شرق مدیترانه به ویژه در طول سه دهه اخیر انجامیده است (نصرتی، ۲۰۱۲: ۸۶).

در این راستا، با خروج نسبی روسیه از سوریه پس از جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ م. و تغییر بافت نظامی و امنیتی این کشور حوزه شرق مدیترانه، امکان تقابل، رویارویی و درگیری‌ها میان بازیگران خرد و کلان در سوریه افزایش پیدا کرده است؛ به گونه ای که ایران، ترکیه و رژیم اسرائیل برای پرکردن جای روسیه به رقابت با یکدیگر برخاسته اند (روچ، ۲۰۲۳).

در این میان، ترکیه یکی از بازیگران مهمی است که هدف دستیابی به نقش رهبری منطقه ای را دنبال می کند و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان مهم ترین رقیب خود می داند (حمیدفر، عباسی و کهریزی، ۱۳۹۸: ۱۳۱). با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ م. سیاست خارجی ترکیه دچار تحول بنیادین گردید. این سیاست خارجی تحت عنوان «عثمانی گرایی جدید» با ایجاد رابطه میان هویت اسلامی، اوراسیایی و اروپایی ترکیه، بر بهبود روابط با همه همسایگان، به ویژه کشورهای خاورمیانه تأکید می کند و دروازه ورود به خاورمیانه عربی نیز سوریه در شرق مدیترانه است (پردز، ۲۰۱۰: ۲). ترکیه اردوغان در پی بازیابی شکوه امپراتوری عثمانی، در ابتدا می کوشید تا موازنه قدیمی میان کشورهای ایران، سوریه و لبنان که موجب سنگینی کفه ترازو به سود ایران است را تغییر دهد تا از این طریق به سیاست تضعیف دولت بشار اسد و در نهایت سرنگونی آن جامه عمل پوشاند؛ سیاستی که از سال ۲۰۱۱ م. به بعد با جدیت از سوی این کشور دنبال شد، ولی پس از حضور نظامی روسیه در سوریه و مذاکرات آستانه و سوچی در سال ۲۰۱۵ م. با آگاهی از این امر که امکان سرنگونی دولت بشار اسد فراهم نیست، ترکیه نیز در کنار ایران و روسیه به عنوان حامیان دولت بشار اسد قرار گرفت؛ این در حالی است که حملات مکرر این کشور به مناطق کردنشین سوریه بیانگر گرایش پایدار ترکیه به اعمال نفوذ در شرق مدیترانه است (حشمت زاده، حمیدفر و قائمی، ۱۳۹۹: ۲-۴۰).

یکی دیگر از نیازهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در شرق مدیترانه، جلوگیری از توسعه نفوذ رژیم اسرائیل در این منطقه است. این مسأله با ایجاد فرصت‌های ژئوپولیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران از طریق حمایت از گروه‌های مبارز (در لبنان و سوریه) و برقراری پیوند ناگسستنی با بازیگران اصلی آن، به حضور پررنگ ایران در شرق مدیترانه انجامیده است. حمایت مالی از حماس، جهاد اسلامی فلسطین و حزب الله لبنان، ایران را به عنوان رهبر گروه‌های اسلامی و درگیری‌های میان اعراب و اسرائیل در منطقه معرفی کرده است (باقری، امیدی و یزدانی، ۱۴۰۰: ۳-۷۲). بنابراین جمهوری اسلامی ایران بر پایه هویت نوعی و نقشی خود مبتنی بر اصالت امت اسلامی و اولویت ارزش‌ها و مصالح اسلامی در سلسله مراتب اهداف سیاست خارجی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۹۰)، با نگاه به رژیم اسرائیل به عنوان یک غیریت ضد اسلامی (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۳۵) سیاست خود در شرق مدیترانه را تداوم بخشیده است؛ هر چند رویارویی و رقابت‌های ایران و رژیم اسرائیل در شرق مدیترانه تنها بر پایه تعارضات ایدئولوژیک نیست و از پایه‌های ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک که امنیت ملی ایران را تهدید می کنند

نیز برخوردار است (کاندالسکو، ۲۰۰۹: ۳۰). این رژیم که از همان ابتدا برای حفظ امنیت خود، دو اولویت مهم «امنیت سرزمینی» و «دستیابی به توسعه و رفاه پایدار» به منظور جذب هرچه بیشتر یهودیان از سراسر عالم را تعریف کرده است، باتصاحب سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸م. به هدف نخست خود دست یافت و پس از آن برای تحقق دومین اولویت راهبردی خود به منابعی از انرژی نیازمند است که در اختیار کشورهای عربی - اسلامی منطقه قرار دارد.

در نتیجه پیمان ابراهیم با این هدف طراحی گردیده تا ضمن به حاشیه راندن موضوع فلسطین و معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان دشمن مشترک اسرائیل و کشورهای عربی، راه را برای مشارکت و همکاری‌های اقتصادی دو طرف در زمینه‌های انرژی، خطوط لوله جایگزین برای دور زدن ایران، تأمین منابع آبی و سایر موارد فراهم کند (آلتر و جاناردهان، ۲۰۲۱). پیش از پیمان ابراهیم نیز رژیم اسرائیل تلاش می‌کرد تا با بهره‌گیری از ابزار انرژی و صادرات گاز خود به همسایگانش از صادرات گاز ایران به کشورهای منطقه به ویژه همسایگان بلافصل خود یعنی، اردن جلوگیری کند تا از وابستگی احتمالی آن‌ها به ایران ممانعت به عمل آورد (وارمسر، ۲۰۱۳: ۷). بنابراین مهار اسرائیل و اقدامات خصمانه آن علیه امنیت و منافع استراتژیک کشور، یکی دیگر از دلایل جدی حضور و نقش‌آفرینی ایران در شرق مدیترانه است.

۴-۳-۴- منافع پایدار اقتصادی در شرق مدیترانه

منافع استراتژیک اقتصادی از دیگر عواملی است که سبب تداوم رویکردهای سیاست خارجی ایران در قبال منطقه شرق مدیترانه در دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی ایران شده است. در دوران صفویه با وجود اختلافات ایدئولوژیک دو دولت، اهمیت روابط بازرگانی و تجاری برای طرفین بسیار بیشتر از آن بود که با ملاحظه‌های ایدئولوژیک و دشمنی‌های مقطعی به اساس آن خدشه وارد شود. حلب، در کنار دریای مدیترانه، دومین ایستگاه تجاری با اروپا محسوب می‌شد و از راه ایالت‌های مرکزی و غربی ایران با مراکز تجارتی صفویان ارتباط برقرار می‌کرد (تقوی‌فر، یوسف‌جمالی و جدیدی، ۱۳۹۷: ۲۸).
براین اساس روابط عمیق و پرسود بازرگانی بین ایران یا نواحی شرق مدیترانه و موقعیت جغرافیایی این دوسرزمین از دلایل مهم اهمیت شرق مدیترانه برای صفویان بود.

در مقطع کنونی نیز کانال سوئز، که دریای مدیترانه را به دریای سرخ وصل می‌کند، برای اقتصاد ایران دارای اهمیت فراوانی است؛ چراکه از یکسو امکان عرض اندام جمهوری اسلامی ایران در مدیترانه را فراهم می‌کند و از سوی دیگر فاصله ایران با اروپا را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. همچنین منطقه شرق مدیترانه حکم یک گزیدور و مسیر برای انتقال انرژی ایران به اروپا را دارد. ایران خط لوله پرشین پایپ را برای صادرات گاز به اروپا توانمند می‌داند و معتقد است انتقال گاز پارس جنوبی از طریق خط لوله به سوریه و در ادامه راه، اتصال این خط لوله به اروپا می‌تواند مسیری ایده آل برای انتقال منابع انرژی ایران به یونان و ایتالیا باشد (ذکی، کریمی و قالیباف، ۱۳۹۸: ۳۱-۳۳). هرچند تحقق این هدف به دلیل رویکرد خصمانه دولت‌های غربی به ویژه آمریکا و تحریم‌های ظالمانه علیه ایران برای سال‌ها به تعویق افتاده؛ اما جمهوری اسلامی ایران همچنان بر مزیت نسبی این مسیر ترانزیتی تأکید دارد و می‌کوشد موانع پیش روی آن را برطرف کند.

حتی در صورت عدم تمایل کشورهای اروپای غربی به همکاری با ایران، خط لوله گاز ایران، عراق، سوریه و لبنان، بسته به نیاز قادر خواهد بود روزانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی ایران را به کشورهای حوزه شرق مدیترانه صادر نماید و با احداث پایانه تبدیل LNG در سواحل مدیترانه، بازار صادراتی بین‌المللی نیز برای خود به‌ویژه در میان کشورهای جنوبی اتحادیه اروپایی ایجاد کند (کریمی، ۱۳۹۷: ۱۳۶). حضور در بازسازی مناطق جنگ‌زده و احداث زیرساخت‌های آسیب‌دیده از دیگر منافع اقتصادی است (طاهرخانی، دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۸) که جمهوری اسلامی ایران را به تداوم حضور و نقش‌آفرینی در شرق مدیترانه تشویق می‌کند.

۴-۳-۵- ابتدای رقابت‌های ژئوپلیتیک برهویت و ایدئولوژی

در عصر صفویه ایران در کانون مثلث تحریک و تهدید قرار داشت؛ مثلی از قدرت‌های رقیب که عبارت بودند از عثمانیان، ازبکان و مغولان هند. این وضعیت هم برای اعمال قدرت صفویان سخت بود و هم هزینه سنگینی را بر این حکومت تحمیل می‌کرد. در این میان حاکمان عثمانی که خود را میراث‌دار حکومت خلفا می‌دانستند، روی کارآمدن یک حکومت ایدئولوژیک رقیب در ایران را منطبق بر منافع خود نمی‌دیدند. در نتیجه، دشمنی‌های طولانی بین دو دولت صفویه و عثمانی ایجاد شد که البته علت ظاهری بیشتر این درگیری‌ها مذهب و مناقشه‌های مذهبی اعلام می‌شد.

این درحالی است که هرچند دعوی شیعه‌گری صفویان و سنی‌گری و خلافت اسلامی عثمانی‌ها آتش جنگ‌های بین دو طرف را لهیب بیشتری می‌بخشید و توده مردم را برای جنگ با دشمن ترغیب می‌کرد، اما در واقع، مذهب دلیل اصلی این ستیزه‌ها نبود. اگر به پیشینه این جنگ‌ها نظری بیفکنیم، به این مساله پی می‌بریم که رقابت میان این دو امپراتوری که به نزاع‌های خونین هم انجامید، مانند دیگر رقابت‌ها، بیش از هرچیز بر سر قدرت بیشتر و منافع بود (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۳). خطر عمده عثمانی که سلسله صفوی را همواره تهدید می‌کرد، تمایل این امپراتوری قدرتمند به توسعه سرزمینی بود. در چنین شرایطی، تأمین استقلال و حفظ تمامیت ارزی در مرزهای غربی یکی از دشوارترین مسئولیت‌های دولت صفویان بود. تغییر پایتخت‌های صفویه به خوبی میزان این تهدیدات را نشان می‌دهد؛ در مرحله اول شاه اسماعیل در تبریز به تخت نشست، اما شاه طهماسب قدری بیشتر مقر حکومت خود را به داخل فلات ایران آورد و قزوین را به‌عنوان پایتخت انتخاب کرد و نهایتاً شاه عباس با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت باز هم به عقب‌تر آمد و این برای فاصله گرفتن از تهدیدهای عثمانیان در مرزهای غربی بود (گودرزی، ۱۴۰۰: ۹۶).

بر این اساس به نظر می‌رسد تمایلات توسعه‌طلبانه جغرافیایی در بروز درگیری‌های بین طرفین، دارای جایگاه اصلی بود؛ اما به دلیل بهره‌گیری عثمانی‌ها از ظرفیت‌های دینی برای رویارویی با صفویان، بخش عمده سازوکار ظاهری برخوردها تحت تاثیر ادبیات خودحق‌انگاری دینی عثمانی‌ها قرار داشت و صفویان نیز برای مقابله به مثل با رویکردهای ایدئولوژیک آنان، براساس شرایط، رویکردهای مذهبی خود را در عرصه مناسبات دو جانبه پررنگ می‌کردند و با تکیه بر تشیع و به نام «جهاد»، فعالیت‌های تبلیغی و نظامی خویش را علیه دولت عثمانی پیش می‌بردند (صادقی و حضرتی، ۱۳۹۵: ۸۱).

با این وجود می‌توان گفت که جنبه مذهبی قضیه بیش از آنکه به جوهره منازعات برگردد، لایه بیرونی آن را تشکیل می‌داد (امیراردوش، ۱۳۸۵: ۱۳). همین قضیه در مقطع کنونی نیز تا حدودی صدق می‌کند، تنش‌های موجود میان ایران، عربستان، ترکیه و رژیم اسرائیل در شرق مدیترانه را باید تلاش بی‌وقفه این قدرت‌ها برای دستیابی به موقعیت برتر منطقه‌ای دانست که با پوششی از هویت‌گرایی مذهبی و فرهنگی پیش برده می‌شود (مصطفی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۱). در این میان «نو عثمانی‌گرایی»، «وهابیت» و «صهیونیسم سیاسی» مهمترین مؤلفه‌های هویت‌بخش ترکیه، عربستان سعودی و رژیم اسرائیل می‌باشند که به رفتار سیاسی آنها با سایر بازیگران منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران جهت داده است. بر این اساس، به ویژه بعد از ایجاد جنگ داخلی در سوریه (۲۰۱۱) تلاش این بازیگران بر این بوده تا برای تأمین منافع و اهداف و تغییر موازنه قوا به سود خویش، سیاست تضعیف و سرنگونی نظام سوریه به عنوان حلقه وصل ایران به جریان مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین را در پیش بگیرند تا با قطع بازوان هویتی و ژئوپولیتیک ایران شیعی انقلابی، دست برتر را در منطقه پیدا کنند (امین‌آبادی، دهشیار، ۱۴۰۰: ۲-۲۲۱). در مقابل ج.ا.ایران نیز با تقویت محور مقاومت و بهره‌گیری از عناصر ایدئولوژی شیعه همچون اهمیت مقاومت در برابر ظلم و زور، کمک به مظلومان، عزت و آزادگی و جایگاه شهادت، به تشویق و راه‌اندازی گروه‌های جهادی و مقابله با این قدرتها پرداخت (باقری، یزدانی و بصیری، ۱۴۰۲: ۲). به همین دلیل بود که بحران سوریه به محل رویارویی جمهوری اسلامی ایران با سایر قدرت‌های منطقه تبدیل شد و به علت تعارض‌های هویتی بنیادین طرف‌های درگیر، به قاعده بازی با حاصل جمع صفر در این کشور انجامید (امین‌آبادی، دهشیار، ۱۴۰۰: ۲-۲۲۱).

توافق اخیر ایران و عربستان در اسفند ۱۴۰۱ و از سرگیری روابط دیپلماتیک بین آنها، نمایانگر این قضیه است که هزینه رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک، برای طرفین بسیار بالا رفته و از این رو مقامات دو کشور می‌کوشند با انجام این توافق، مسیر جدیدی برای تأمین منافع خود بیابند. این توافق ضمن لطمه به تلاش‌های رژیم اسرائیل برای توسعه پیمان ابراهیم، ممکن است روابط مثلث ایران، ترکیه و عربستان سعودی را نیز متحول و به سمت رقابتی هدایت کند که مشخصه آن توسعه قدرت نرم در شرق مدیترانه است. تغییر وضعیت سوریه و ابراز تمایل عربستان سعودی و ترکیه برای از سرگیری روابط با دولت بشار اسد شاهدهی بر این مدعا است، هرچند هدف اصلی این اقدامات نیز کاهش نفوذ فراگیر ایران در سوریه است. بر این اساس به نظر می‌رسد آشتی دیپلماتیک ایران و عربستان به‌تنهایی قادر به حذف کامل رقابت این کشورها برای نفوذ بیشتر نخواهد بود (امیراصلانی، ۲۲ فروردین ۱۴۰۲) و در آینده نیز رویکردهای ایدئولوژیک همچنان به عنوان لایه روبنایی مشروعیت بخش به این رقابت‌ها، به کار گرفته خواهد شد.

۴-۴- تفاوت‌های سیاست صفویه و جمهوری اسلامی ایران در شرق مدیترانه

هر چند منطقه شرق مدیترانه برای هر دو دولت صفویه و ج.ا.ایران دارای اهمیت راهبردی بوده و همین امر سبب تداوم سیاست خارجی کشور در این منطقه شده است، اما سیاست ایران در این دوره دارای برخی تفاوت‌های کلیدی نیز بوده است. یکی از مهمترین نکات افتراق در این زمینه، تفاوت رویکرد دو دولت نسبت به کشورهای اروپایی بوده است؛ در حالیکه دولت صفویه به ویژه در دوران شاه‌عباس کوشش می‌کرد با اعطای امتیازات تجاری، آزادی‌های مذهبی و معافیت‌های گمرکی به اروپاییان، نظر مثبت آنان را جلب کند و از نزدیکی سیاسی - نظامی با آنها علیه عثمانی استفاده کرده و این دشمن قدرتمند را شکست دهد (بیگدلی، ۱۳۸۵: ۷)، جمهوری اسلامی ایران، به خاطر الزاماتی که عادی سازی روابط با کشورهای اروپایی داشته، به جز مقاطعی محدود، به دنبال توسعه جدی مناسبات با این کشورها نبوده و منافع و اهداف خود در شرق مدیترانه را به صورت مستقل و یا با کمک نیروهای نیابتی خود پیش برده است (کیانی، آذر ۱۴۰۱: ۱۹۸).

۵- نتیجه

پژوهش حاضر که بر پایه تحقیقات و مطالعات علمی پژوهشگران، «تداوم سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه در دوره صفوی و جمهوری اسلامی» را به عنوان «مفروض» در نظر گرفته بود، کوشید عوامل این تداوم و تشابه را از منظر رهیافت سازه‌نگاری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. دستاوردهای این پژوهش نشان داد فرضیه مطرح شده در ابتدای پژوهش اثبات گردیده و طبق تخمین و فرض ابتدایی محققان، نیازهای امنیتی - راهبردی همچون مهار ترکیه، عربستان و رژیم اسرائیل و اشتراکات فرهنگی - مذهبی ایران با شیعیان منطقه شرق مدیترانه و منافع متقابل دو طرف در حمایت از یکدیگر، در هر دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی مهم‌ترین علل توجه ایران به این منطقه و تداوم سیاست خارجی کشور در حوزه شرق مدیترانه بوده است. مشخص گردید ایران در دوران صفویه و جمهوری اسلامی برای مقابله با نفوذ فزاینده سایر قدرت‌های منطقه ای رقیب، تلاش کرده از طریق حمایت از شیعیان شرق مدیترانه به ویژه علویان، حضور خود در مدیترانه شرقی را تداوم ببخشد.

براین اساس نیازهای امنیتی، اهمیت و مزیت بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی - ایدئولوژیک را برای ایران بالا برده و به پیشبرد اهداف و منافع دولت‌های ایران در هر دو دوره صفویه و جمهوری اسلامی و تداوم حضور آن‌ها در شرق مدیترانه کمک کرده است. البته پژوهش‌های صورت گرفته، لایه‌های عمیق‌تری از دلایل این تداوم در سیاست خارجی ایران را نیز نشان داد؛ به این ترتیب که مشخص شد، تشابه هویت نوعی و نقشی دولت‌مردان صفوی و جمهوری اسلامی ایران نیز از عوامل کلیدی اثرگذار بوده که به تعریف منافع مشترک و در نتیجه رویکردهای سیاست خارجی مشابه توسط آن‌ها انجامیده است. از سوی دیگر، اهمیت روابط تجاری - اقتصادی و مسیر ترانزیتی برجسته شرق مدیترانه از دیگر دلایل تداوم سیاست خارجی ایران در این منطقه در دو مقطع تاریخی مورد بحث بوده است که در فرضیه محققان نادیده گرفته شده بود. در نهایت نکته و دستاورد قابل

تأمل این تحقیق، نقش مسائل هنجاری- مذهبی در پیش‌برد منافع مادی و ژئوپلیتیک ایران در شرق مدیترانه در هر دو دوره صفوی و جمهوری اسلامی بود که سبب مشروعیت بخشی به سیاست دولت‌های ایران در این منطقه گردیده است.

منابع

- امیراردوش، محمدحسین (۱۳۸۵)، مناسبات ایران و عثمانی در دوره صفویه، مجله زمانه، شماره ۵۰، صص: ۷-۱۵.
- امیراصلانی، اردوان (۲۲ فروردین ۱۴۰۲). توافق ایران و عربستان، فرصتی برای ترکیه؟، روزنامه شرق، کدخبر: ۸۷۵۹۱۲/۱۰۰.
- باقری، محسن؛ امیدی، علی و یزدانی، عنایت‌الله (۱۴۰۰)، «تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۲ (۳۸)، صص: ۹۲-۶۵.
- باقری، محسن؛ یزدانی، عنایت‌الله و بصیری، محمدعلی (۱۴۰۲)، تبیین منافع ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در اتحاد موسوم به محور مقاومت، جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۱۴، شماره ۳، صص: ۳۰-۱.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۵)، جامعه علویان ترکیه، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۵)، روابط خارجی ایران عصر صفوی، مجله زمانه، شماره ۵۰، صص: ۳-۸.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ نصرتی، شهریار و بازدار، شهناز (تیر ۱۳۹۴)، ژئوپلیتیک شیعه و قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه، فصلنامه شیعه‌شناسی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، شماره پیاپی ۴۹، صص: ۷-۲۹.
- تقوی‌فر، حمید؛ یوسف‌جمالی، محمدکریم و جدیدی، ناصر (۱۳۹۷)، روابط بازرگانی دولت صفویه با عثمانی از دوره شاه صفی تا سقوط صفویان (۱۰۳۹ تا ۱۱۳۵ هـ.ق / ۱۶۲۹ تا ۱۷۲۲ م)، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان، سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم، شماره سوم پیاپی ۳۹، صص ۲۵-۳۹.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، جلد اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۲)، سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل از دید نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال دهم، شماره ۱، صص ۱۹-۴۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ بیست و ششم.
- حشمت‌زاده، محمدباقر؛ حمیدفر، حمیدرضا و قائمی، یاسر (و ۱۳۹۹)، «راهبرد ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا: مطالعه موردی بحران سوریه»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۸، صص ۲۹-۴۹.
- حمیدفر، حمیدرضا؛ عباسی، مجید و کهریزی، فاطمه (۱۳۹۸)، «بحران سوریه و تقابل دو راهبرد متفاوت ایران و ترکیه در مدیریت بحران در منطقه غرب آسیا»، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال سوم، شماره ۵، صص: ۱۳۷-۱۱۳.
- خسروشیری، علی (۱۳۹۱)، انقلاب اسلامی ایران و شیعیان لبنان، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸)، شهرستان‌های ایرانشهر: نوشته‌ای به زبان فارسی میانه درباره تاریخ، حماسه و جغرافیای باستانی ایران، با آوانویسی، ترجمه فارسی و یادداشت‌ها از تورج دریایی، مترجم شهرام جلیلیان، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.
- دلواله، پیترو (۱۳۷۰)، سفرنامه پیترو دلواله؛ قسمت مربوط به ایران ترجمه، شرح و حواشی از شعاع‌الدین شفا، چاپ دوم. بی‌جا. انتشارات علمی و فرهنگی.

- دهشیار، حسین و امین آبادی، سید محمد(۱۴۰۱)، بررسی نقش «هویت» در بحران‌های بین‌المللی؛ مطالعه موردی: بحران سوریه، فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص: ۲۳۶-۲۰۷.
- دیل‌مقانی، فرشید و قاسمی ترکی، محمدعلی(۱۳۹۶)، جایگاه هویت ملی در ایران نگاهی به تطور تاریخی الگوها و سیاست‌های هویت ملی از زمان باستان تا دوره پهلوی اول، سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره نوزدهم، صص: ۱۵۵-۱۷۶.
- ذکی، یاشار؛ کریمی، حسن و قالیباف، محمدباقر(۱۳۹۸)، شرق مدیترانه و تأثیر آن بر قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران در جنوب غرب آسیا، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال چهارم، شماره سوم، پیاپی ۸۰، صص ۲۱-۴۵.
- رستمی، افشین؛ امیری؛ علی و عباسی، حامد(۱۴۰۰)، تحلیل ژئوپولیتیک راهبرد شرق مدیترانه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر دفاع مقدس، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص: ۳۹-۷۲.
- رستمی، عادل(۱۳۸۵)، مناسبات تشیع و تصوف در آناتولی و تأثیر آن بر همگرایی صفویان و ترکمانان این منطقه، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۲، صص: ۴۰-۶۲.
- سجادپور، محمدکاظم(۱۳۸۱)، سیاست خارجی ایران؛ چند گفتار در عرصه نظری و عملی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه(۱۳۹۴)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۱)، پارادوکس‌های کشور ما، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳.
- سیوری، راجر(۱۳۸۹)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ نوزدهم.
- صادقی، محمدحسین و حضرتی، حسن(۱۳۹۵)، رویارویی سیاسی مذهبی دولت عثمانی با صفویان(۱۰۰۳/۹۰۷هـ.ق/۱۵۰۱م)، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی(مقالات و بررسی‌ها)، دوره ۴۹، شماره ۱، صص: ۵۷-۷۶.
- طاهرخانی، سعیدرضا(۱۶ بهمن ۱۳۹۸)، علل حضور جمهوری اسلامی ایران در شرق مدیترانه، دیپلماسی ایرانی: <http://irdiplomacy.ir/fa/news/1989331> تاریخ دسترسی: ۱۴۰۲/۳/۲۹.
- عالم آرای شاه‌اسماعیل(۱۳۸۴)، تصحیح اصغر منتظر صاحب، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- فوران، جان(۱۳۹۲)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ چهاردهم.
- قزوینی اصفهانی، محمدیوسف واله(۱۳۸۲)، ایران در زمان شاه‌صفی و شاه عباس دوم(خلدبرین)، تصحیح محمدرضا نصیری، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
- قوام، عبدالعلی(۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، چاپ اول تهران: نشر سمت.
- کچوییان، حسین و جوادی یگانه، محمدرضا(۱۳۸۳)، دوره اول هویت‌یابی ایرانی(پیدایی مسأله هویت ونفی خود)، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۱۸، صص: ۱۹۴-۱۵۵.
- کرین، هانری (۱۳۸۳)، ارض ملکوت و کالبد انسان در روز رستاخیز از ایران مزدایی تا ایران شیعی، چاپ سوم، ترجمه سیدضیاءالدین دهشیری، تهران: انتشارات طهوری.
- کریمی، حسن(۱۳۹۷)، شرق مدیترانه و جایگاه ژئوپلیتیکی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات رازنهان
- کیانی، داود (آذر ۱۴۰۱)، جایگاه اروپا در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر دولت سیزدهم، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ویژه‌نامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص: ۱۹۴-۲۱۵
- گودرزی، بهروز(۱۴۰۰)، مرزهای غربی ایران صفوی، تهران: نگارستان اندیشه.

-محمدی، منوچهر(۱۳۸۷)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

-محمدی، منوچهر(۱۳۶۵)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

-مشیرزاده، حمیرا(۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات سمت.

-مشیرزاده، حمیرا(۱۳۹۷)، «از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی»، سیاست خارجی، س ۳۲، ش ۴، ص ۶۴-۴۳.

-ملایی، اعظم(۱۳۹۰)، «فرایند دولت-ملت سازی و آثار آن بر منافع ملی در ایران(۱۳۸۸-۱۳۰۴)» رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

-مصطفی‌نژاد، عباس(۱۳۹۳)، تسری رقابتهای ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱، صص: ۷-۳۶.

-منشی، اسکندربیگ(۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

-نادری، احمد(پاییز ۱۳۹۰)، «نئومکیندریسم و نظریه ریملند شیعی»، دین و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۴۰. صص: ۱۷۷-۲۰۷.

-یوسف جمالی، محمدکریم(۱۳۸۵)، تاریخ تحولات ایران عصر صفوی(از شیخ صفی تا شاه‌عباس اول)، اصفهان (نجف‌آباد): انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، چاپ اول.

Baran, D. (2020). The Legal Aspects of the Eastern Mediterranean Crisis. *Al Sharq Strategic Research*.

Bölme, S. M. (2009). Charting Turkish diplomacy in the Gaza conflict. *Insight Turkey*, 23-31.

Condulescu, T. (2009). *GEOPOLITICS AND FOREIGN POLICY. THE CASE OF ISRAEL* (Doctoral dissertation, Central European University).

Canal Forgues Alter, E., & Janardhan, N. (2021). The Abraham Accords: Exploring the Scope for Plurilateral Collaboration among Asia's Strategic Partners. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 15(1), 41-52.

Litsas, S. N. (2019). The Russian Foreign Policy in the Eastern Mediterranean: A Sui-generis Revisionism. *The New Eastern Mediterranean: Theory, Politics and States in a Volatile Era*, 169-190.

Noname. (2020). Strategic step in eastern mediterranean equation memorandum of understanding between turkey and libya.springer.

Nosrati, S. (2012). The role of Muslim countries in the Mediterranean in the development of regional interests of the Islamic Republic of Iran: A case study of Lebanon. Master Thesis, Islamic Azad University, Rasht Branch. [In Persian].

Perthes, V. (2010). Turkey's role in the Middle East: an outsider's perspective. *Insight Turkey*, 1-8.

Roche, Joseph, (April 27, 2023) ranian and Syrian factors shape Israeli response to Russia's Ukraine invasion, from: <https://www.atlanticcouncil.org>, Retrieved at: June 18, 2023.

Smith, S. (2016). Foreign policy is what states make of it: social construction and international relations theory. In *Foreign policy in a constructed world* (pp. 38-55). Routledge.

Weldes, J. (1996). Constructing national interests. *European journal of international relations*, 2(3), 275-318.

Wurmser, D. (2013). *The geopolitics of Israel's offshore gas reserves*. Jerusalem Center for Public Affairs.